

آدم های آتشین مزاج  
ترسی از پرچاوی برق ندارند.

شماره ۱۰ شماره مسلسل ۶۶ سال چهارم لیندی قوس ۱۳۹۵ بیعاری

## ډبرې عبدالغفور لېوال

زما استاد وايي چې مور په ((ډبرېپر)) کې اوسو  
 خو زما په خامو لارو  
 او په خټينو کوڅو  
 څوک د ډبرو لاره نه جوړوي  
 هغه چې زه ورسره مينه لرم  
 د هغې هم زړگي له کانې جوړ دی  
 زما ډوډی.  
 راځي د ژړندې له دوه تېرو څخه  
 او زما مينه يوه ورځ وه مخامخ پر يوه تېره ناسته  
 چې له دوه سترگو يې بېشمېره اوبنکې تويې کړلې  
 خو دهغې اوبنکو په تېره هيڅ اثر ونه کړ  
 زه ډبرېپر کې اوسم  
 کله چې ورمه هم  
 د څو ډبرو منځ کې  
 تر څو ډبرو لاندې  
 يوه کوچنۍ کلیمه داره تېره سر لاندې ږدم  
 او اې زما مينې!  
 چې زړگي دې له ډبرې جوړ دی  
 له مرگه پس به هم زما د قبر تېره تا ته تمه کوي  
 چې ته له خپلو تورو بنکلو سترگو  
 دانه دانه اوبنکې پرې وبهوي  
 او يا د شناختې ډبرليک کې زما نوم په خپلو شونډو  
 بنکل کړې  
 زه،  
 نه  
 زه او ته دواړه،  
 ډبرېپر کې اوسو.

زه  
 تر((سنگ نوشتې))  
 لږ ورپورته زېږېدلی يم  
 او خاپوړې مې د تاو خانې پر تودو ډبرو کړې دي  
 الفې مې  
 د سپينې بکرې په رنگ زده کړې  
 او لومړنی نوم مې هم د ((چينو غونډۍ)) پر يوه ډبره  
 کښلی  
 له بنوونځي چې تښتدم  
 نو د ډبرو پر ديوال اوښتم  
 او په کور کې مې کله کله د ډبرې پر بالښت سر لگاوه  
 خپلوانو مې په ډبرو کې پوسته درلوده  
 او تربرونو مې د ډبرو له مورچې څخه پر هغوی ډزې  
 کولې  
 يوه کليوال مې د خپل کلي موټروان په دې نامه  
 چې  
 کوم دښمن ته يې راپوټ ورکاوه  
 پر يوه ډبره ځملاوه  
 او په بله يې پر سر وويشته  
 اوس هم  
 له ډبرو سره ژوند تيروم!  
 پاچا مې ناست دی د ډبرو منځ کې  
 زما ښار ډک له ډبرينو ديوالونو څخه  
 پر لاره ايښې دي يې شمېره تېرې  
 هيواد مې درې پر څلورمې خاورې  
 له تورو غرونو او ډبرو ډک دی  
 د دې ډبرو زړه کې ډير لالونه  
 خو زما په برخه يې ليکلي نه دي

## منبع عایداتی

انجنیر محمد صابر سخا

خانواده فارغین، ارایه کردند: ما هیئت موظف که به اساس هدایت آمرین ما وظیفه گرفته بودیم تا موضوع مشکل شیرخوارگاه را بررسی کنیم، به این نتیجه رسیدیم که:

۱- به جای تمام شیشه های داخلی و خارجی کودکان باید شیشه های زره نصب شود تا آواز گریه اطفال را به خود جذب و از بیرون شدن آن جلوگیری به عمل آید.

۲- در صنف شیرخوارگاه برای محافظت مشاورین آن باید یک - یک گارد مسلح با مگس کش موظف گردد تا اطفال با دیدن آن مجبور به خواب شوند و یا حداقل چشم های خود را پت بگیرند.

۳- در بین خالیگاه چپرکت های شیرخوارگاه باید مانند روزهای تظاهرات یا جاده های عمومی، سنگ های کانکریتی و یا کانتینر مانده شود تا اطفال یکدیگر خود را دیده نتوانند.

۴- والدین اطفال شیرخوارگاه مطابق قانون سرچپه ولسوالی بیکاران مکلف گردند تا سندهای ملکیت هر چپرکت را که اطفال شان در آن استراحت می نمایند، اخذ کنند تا در سال های بعد به خاطر بلند بردن سطح عواید کودکان از نزد شان مالیه اخذ گردد.

۵- برای حل شدن این مشکل که همه جانبه طرح گردیده است، ضرورت به یک بودجه ناچیز که ۱.۳ میلیون دالر پیشبینی گردیده است، نیاز می باشد.

از اینکه ما امروز فارغ می شویم امید است با منظور شدن این بودجه سهم ما تلف نگردد.

بااحترام

کمیسیون موظف

اندازه خوراک و مشاور تثبیت اندازه خواب از بخش شیرخوارگاه و دو مشاور به نام مشاور تثبیت شوخی و مشاور تثبیت حرف شنوترین طفل از بخش خوردسالان و یک مشاور به نام سرمشاور از صنف کلان سالان داشت.

برای صنف شیرخوارگاه نظر به هدایت آمر انتخابی، شیر تازه حواله گردیده بود؛ ولی آمر دومی با استفاده صلاحیت های پروتوکول پنجاه- پنجاه که بین هردو آمر از اثر میانجی گری والی منطقه به امضا رسیده بود و هیچ یک از آمرین نمی خواهند آنرا افشا نمایند، برای خاله گلتور هدایت داده بود تا برای آن عده اطفال که به حیث مشاور انتخاب شده اند، شیر «ملک پک» که تاریخ تیرشده نباشد و برای سایر اطفال شیر خشک که از طرف یکی از شرکت های راجسترشده وارد گردیده باشد، داده شود. از اثر خوردن شیر خشک بی کیفیت مانند دواهای غیرکنترول شده، تعدادی از اطفال شیرخوارگاه از اثر درد شکم، خواب شان به کلی از بین رفت و این اطفال همیشه با ریختاندن استفراغ ها و آب چشم خود به روی روجایی هایی که سال ها شسته نشده بودند، بر ضد آمرین مبارزه می کردند. سرانجام صدای گریه اطفال تمام کودکان را به خود متوجه ساخت و فیصله گردید تا یک کمیسیون حقیقت یاب متشکل از خاله گک محافظ کودکان و خدمه آشپزخانه تحت ریاست مشاور صنف کلان سالان و خاله گلتور موضوع را هرچه عاجل بررسی و گزارش خویش را ارایه نمایند.

هیئت موظف در مدت یک سال با مصرف پنجاه فیصد از بودجه انکشافی مصرف نشده کودکان موضوع را تحت بررسی گرفت و نتیجه بررسی را یک سال بعد، در روز فراغت صنف بزرگسالان به عنوان دستاورد دوره فراغت این کودکان از طرف یکی از فارغین به حضورداشت اعضای

کارمندان ولسوالی بیکاران در قریه ده بالا تصمیم گرفتند تا به منظور پیدا نمودن یک منبع عایداتی برای خود شان با استفاده از نام تربیه سالم اطفال، در ولسوالی خویش یک کودکانستان محل کار ایجاد نمایند. هر قدر وقت و ناوقت، شب و روز، ایام رسمی و غیر رسمی خود را به زمین و آسمان زدند؛ کسی آواز شان را نشنید. سال ها گذشت و بعد از ایجاد خیمه تحصن در سر راه سرک خامه ده بالا و اعتصاب غذایی در روزهای تعطیل از نیمه روز تا زوال آفتاب و تظاهرات قانونی و فراقانونی، سرانجام توانستند تا کودکانستان محل کار را در ولسوالی امور بیکاران ایجاد نمایند. این کودکانستان متشکل از سه صنف بود: صنف شیرخوارگاه شامل هشت طفل، صنف خوردسالان تا سن چهارساله شامل دوازده طفل و صنف کلان سالان بین چهار تا شش ساله شامل پنج طفل.

مطابق قانون بین المللی بیکاران، این کودکانستان باید از طرف یک آمره از طبقه اناث اداره می شد؛ اما اکنون به منظور تطبیق قانون سرچپه از طرف دو نفر آمرین از طبقه ذکور اداره می شود که یکی از این آمرین به اساس رأی گیری اطفال این کودکانستان که از طرف کمیته انتخاباتی داخل کودکانستان به رهبری واسطه دارترین خاله گک کودکانستان محترمه خاله گلتور رأی گیری گردیده بود و این آمر توانسته بود چندین مراتبه اضافه تر از کارمندان کودکانستان یعنی به تعداد (۱۲۰) رأی ببرد، به حیث آمر کودکانستان، و آمر دومی به حمایت خارجی ها یعنی کارکنان واسطه دار، زورگو و عالی رتبه این ولسوالی که رفیق برادرزاده ولسوال صاحب نیز می باشد، در این کودکانستان به حیث آمر کودکانستان تعیین گردیده است. آمر دومی از جمله اطفال کودکانستان سه مشاور به نام مشاور تثبیت درجه گریان، مشاور تثبیت

## از کابل تا دوبي

کاکه تیغون

یارب این دوبي ثانی است ویا منزل ما کابل! این چیست؟ تو ای شهر رفیق دل ما بازسازی شده، آباد و چراغان شده ای نقش دیگر زده بر آب ز خاک و گل ما خبر امنیت کاملت ار نشنیده مشکل اوست، برادر، نبود مشکل ما ما به شبنامه دولت خبر خوش دیدیم توبه ها کرده به یک بار دگر قاتل ما چه مبارک خبری بود به گوشم گفتند دیده بریند، بود مصلحت کامل ما بود دعوا و به یکباره لحافی گم شد واشد آن معضله و مسأله باطل ما نشده دوبي ثانی که پشاور نشوی دور باد این خطر از جاهل و از فاضل ما

## تفریق المثل ها

خزان

- آب تا گلو، بچه اندر زیر پای.  
- هنوز از دهنش بوی رشوت و سود می آید.  
- آب را خت می کند، ماهی می اندازد.  
- مه چی میگم، معاون دوم معاون اول سخنگویم چی میگه؟!  
- هنوز از دهنش بوی سیر و پیاز و گندنه می آید.  
- هنوز از دهنش بوی الکول و سگرت و چرس و چلم و نسوار می آید.  
- از پشت چک های چاه برخاست، در عقب دیوارهای قیل - قیل کانکریتی و ریگی و سیم های خاردار نشست.  
- مه چی میگم، «دوست دختر / دوست پسر» چی میگه؟!  
- مه چی میگم، «نشانی خصومت» چی میگه!؟

## او سر چک شده...

احسان الله سلام

انجمن سراسری مادران پرکنده و زنان جگرسوخته در نشست سالانه شان تصمیم گرفتند که برای تربیه نسل های تریاکی، تفنگی و کمپیوتری بعد از این (در چوکات ادبیات دخترانه، مادرانه و خشوانه) دعاهای نیک و بد شان را تغییر بدهند. در این جلسه فهرست درازی از دعاهای فرزندسوز و خانه برانداز تصویب شد که چند نمونه بی از آن ها را پیشکش تان می کنم:

- از خدا می خواهم که تو سرچک شده و خدا شرمانده، رئیس جمهور افغانستان شوی!  
- خدا به غضب لوی خارنوالی گرفتارت کند!  
- به روی حبیبش، وزارت از پیش و تو به دنبالش سرگردان بدوی!

- الهی، سر قبرت کوکنار بکارم!  
- الهی، مثل هیرویین در بگیری!  
- الهی، از کروزینت سیر نشوی!  
- الهی، روز راهبندان شکمرو شوی!  
- به حرمت اولیا، آرمان وکالت را به گور ببری!  
- الهی، خبر مرگت را از سخنگوی ناتو بشنوم!

- خدا نکشیم که روده هایت را بر شاخ درخت ببینم!  
- الهی، قومندان شوی که از زن گرفتن سیر نشوی!  
- الهی، تا زنده هستی، سرت پیش بانک جهانی خم باشد!  
- خدایا، دایاگ دایاگ شوی که از موش مرده بترسی!

## شرکت شامپوسازی برادران کل نژاد

بهاره عسکری

آیا می خواهید که وقتی به سر کار تان می روید و چون طبق معمول صبح دیرتر از خواب برخاسته اید و سر تان دیر هم شده است و وقت ندارید موهای آشفته و دوماه شانه ندیده خود را شانه بزنید؛ از دست این کار وقتگیر رهایی یابید؟

آیا می خواهید هنگام نزاع های خانواده گی کسی از زلف های خوش حالت سر تان محکم نگیرد؟

و آیا می خواهید که دیگر از دست بادهای سدوبیست روزه که مو بر سر آدم سیخ می کند، راحت شوید و از آلوده شدن روغن نباتی که به موهای زیبای تان چرب کرده اید؛ ناراحت نشوید؟

شامپوی ضد مو در خدمت شما!  
یک بار استفاده از این شامپو، برای همیشه شما را از شانه زدن موهای سر تان راحت می سازد و به عنوان نمونه هم یک تار موی به سر مبارک تان نمی گذارد. شامپوی ضد مو در خدمت علاقه مندان.

## پیوندی لندی

پیوند و هونکی: مسعوده

یو واری لاس په لاس کی راکه  
دا لاس نیوی به ژر تر ژره هپرومه



مسافری دی ډیره وکړه  
اوس نو ډالر راوستاوه چې عېش کوونه



لمونځ چې قضا شي بیا ادا شي  
نه ادا کيږي قضا شوي مسجونه



د جهالت له پوهنتون نه  
د ماسټرۍ ډیپلوم مې لاس راوړی دینه

## ن - فروتن

ابتدا با مدعا خادم به راه حق شدیم  
با نثار عهد و پیمان ناجی زورق شدیم  
دستگیر مستمندان، یاور و مشکل کشا  
با کمال رأی شان چون داور اسبق شدیم

گاه شعار و گاه تعهد، گاه دروغ و گاه فریب  
این هم ابزار سیاست شد به الفاظ ادیب  
قلب مردم را به دست آریم چو در کارزار  
با طعانی یا زری یا با کلامی دلفریب



ابلهانی دانه پرور چون اسیر مادی اند  
نه به خدمت شایق و نی پیرو آبادی اند  
در ازای جاه و منصب یا کمایی سیم و زر  
عرضه وجدان کنند و دیگران را هادی اند



بخت ما بیدار گشت و طالع ما چون عقاب  
«سوپر» و موتر حواله گشت از سوی جناب  
هدیه و سوغات آید از فراز مافیا  
ناشتای چاکر ما، پیزه و مرغ کباب



سیب رنگین حاصل آید گر بخواهیم بید را  
با صلابت تیره سازیم لانه خورشید را  
حال یار دوستداران، داور کشور شدیم  
در نظر آریم ما کی؟ عین و غین و زید را



انتشارات امیری به مدت یک سال هزینه چاپ ماهنامه آچار خربوزه را می پردازد.  
اداره ماهنامه از جناب وسیم امیری رییس انتشارات امیری خیلی سپاسگذار  
است. علاقه و حس مسوولیت ایشان را به هنر و ادب و فرهنگ می ستاید.  
از بارگاه یکتای بی همتا موفقیت های بیشتر شان را در همه امور خواهانیم.

انتشارات امیری عرضه کننده انواع کتب دینی، ادبی، سیاسی، اجتماعی با کیفیت برتر می باشد.

## د فسادونو سیالی

رازقي نړيوال  
روانه په بڼه درز د تقليدونو ده سيالی  
وطن کي د بديو فسادونو ده سيالی  
په هره بي پتي چي ده، نو غواړي چي اتل شي  
پرديو رويکار کړي په ډولونو ده سيالی  
يو خوا ته غريبان په خپل وطن کي بي وطن دی  
بل خوا ته د عصري عصري اقصرونه ده سيالی  
ډالر دی چي باديري لکه خاوري هرې خوا ته  
بناړو کي د شداد د جنتونو ده سيالی  
بي شمېره هوټلونه په سيالی سره جوړېږي  
په دوی کي ډالريانو د ودونو ده سيالی  
خواران د بایسکل د اخستو نه لري وسه  
که پېل هم د موټرو د مودنو ده سيالی  
صحنې د تلویزیون به مو کتلی خامخا وي  
چي هلته د نڅا او د سازونو ده سيالی  
دبڼمن په پتاسو کي راکوي گولی د زهرو  
رواج چي د پردو د فرهنگونو ده سيالی  
الله دي پېښ کړي خیر، مو د وطن دی عاقبت ته  
چي زور په بي شرمی نه په ډولونو ده سيالی



از منابع فرانسوی

سال تاسیس:

ماه حوت ۱۳۹۱ شمسی

نشانی:

عقب چک های چاه و سیم های خاردار

زیر نظر گروه نویسنده گان

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

قیمت یک شماره:

برابر به نیم دانه پوقانه چرکستانی (۱۰) افغانی

دیزاین و چاپ

مطبعه ایازی-کابل

به غیر از گردن مقاله، ملامتی سایر نوشته ها به

مسعوده خزان توخی

دستکول و خریطه نویسنده گان آن می باشد

شماره تماس: ۰۷۶۶۶۶۷۸۸۹

شماره ثبت در وزارت اطلاعات و کلتور: ۲۸ // ۶۹ حمل ۱۳۹۲ شمسی

آچار خربوزه را از این محلات می توانید به دست بیاورید:

✓ نماینده گی انجمن نویسنده گان افغانستان، جوار پارک تیمورشاهی

✓ کتابفروشی بیهقی، جوار وزارت اطلاعات و کلتور

آچار خربوزه اعلانات تجارتی شما را در بدل پول افغانی می چاپد

تیراژ: ۵۰۰ نسخه [achar\\_kharboza@yahoo.com](mailto:achar_kharboza@yahoo.com)